

بررسی شبهات حدیثی منتقدان حدیث شیعه در ایران معاصر

شهرام داراب‌پور^۱
مهدی مهریزی^۲
سید محمدعلی ایازی^۳

چکیده

هدف: مسئله اصلی این تحقیق، استخراج و بررسی و نقد آرا و شبهات حدیثی منتقدان حدیث شیعه در ایران معاصر است. **روش:** روش تحقیق، اسنادی - تحلیلی است. با مراجعه به آثار و کتب موجود منتقدان حدیث شیعه، آرای حدیثی این جریان به دست آمد و با رجوع به منابع اصیل و احادیث کتب معتبر بررسی و نقد شد. **یافته‌ها:** منتقدان حدیث شیعه، جریانی‌اند که با شعار بازگشت به قرآن، مبارزه با خرافات و کم‌رنگ کردن نقش سنت و روایات در هندسه مسائل دینی در ایران شکل گرفتند. این گروه از سویی بر اساس مبانی فکری خاص خود، بسیاری از عقاید و اعمال رایج شیعیان را شرک دانسته و از جهتی دیگر، نظر متفاوتی با سایر علمای شیعه در مورد مؤلفان کتب روایی داشتند. همچنین با استفاده خاص خود از معیارهای مشهور نقد محتوایی حدیث، جوامع روایی شیعه را نقد کرده‌اند. **نتیجه‌گیری:** با مراجعه به کتب معتبر رجالی، مشخص شد که دیدگاه منتقدان حدیث شیعه درباره مؤلفان کتب حدیثی شیعه، بی‌اساس و فاقد پشتوانه علمی است. در نقد روایات کتب حدیث شیعه نیز این گروه، از طرفی قواعد فقه‌الحدیثی برای فهم صحیح محتوای روایات به کار نگرفته‌اند و از سویی، در انتساب حدیثی به ضعف، معیار تشخیص حدیث صحیح و ضعیف را بین متقدمان و متأخران در نظر نگرفته‌اند.

واژگان کلیدی: حدیث، منتقدان حدیث شیعه، شبهات حدیثی.

دریافت مقاله: 97/10/24؛ تصویب نهایی: 98/03/22

1. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی. دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات. تهران، ایران.
2. دکتری علوم قرآن و حدیث، دانشیار دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی. دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات. تهران، ایران (نویسنده مسئول) / نشانی: تهران؛ دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، گروه علوم قرآن و حدیث / نامبر: Email: toosi217@gmail.com / 44865154
3. دکتری علوم قرآن و حدیث، استادیار دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی. دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات. تهران، ایران.

الف) مقدمه

حدیث، دومین منبع دین‌شناسی پس از قرآن است. از دیرباز تاکنون، عموم عالمان مسلمان از حدیث به مثابه منبعی برای فهم کلام خدا، تبیین مفاهیم و اصول اعتقادی، استنباط احکام فقهی و شناخت ارزشهای اخلاقی بهره برده‌اند. نقد حدیث در یکصد سال اخیر و با آغاز تحولات جدید در جهان اسلام، شکل جدی‌تری یافته و بسیاری از جریانهای افراطی و تفریطی حول محور پذیرش یا رد حدیث شکل گرفت. ضرورت استفاده از حدیث برای شناخت معارف و احکام الهی از یک سو و دگرگونی‌ها و تحریفهای پدید آمده در آن از سوی دیگر، سبب شده تا حدیث‌پژوهان با عینک نقد به منابع حدیثی بنگرند. در مسیر نقد منابع روایی در تاریخ معاصر ایران، عده‌ای از روش و منش مشهور جلوتر رفته و بر این عقیده شدند که کتب روایی معتبر شیعه مملو از خرافات است و بسیاری از شعایر و آداب و رسوم موجود و حتی مبانی اعتقادی شیعه برگرفته از احادیث مجعول موجود در کتب حدیثی است؛ که این گروه در این پژوهش، منتقدان حدیث شیعه نامگذاری شده‌اند.

ب) بیان مسئله

تفکر نقد حدیث و کتب روایی در حال افزایش است. نتایج این امر نه تنها در محافل علمی، بلکه در بین عوام جامعه و زندگی مردم نیز قابل مشاهده است. به همین علت، اگر دامنه این جریان مشخص نشود و نقد و ارزیابی نشود، چه بسا نتایج غیر قابل جبرانی را به جامعه اسلامی وارد کند. این پژوهش نیز در همین راستا نگارش یافته و در آن سعی شده ضمن تعریف دقیقی از جریان منتقد حدیث شیعه در ایران معاصر، به بررسی و ارزیابی برخی از شبهات حدیثی این جریان فکری پرداخته شود. بدین منظور، نخست با جریان منتقدان حدیث شیعه در دوره معاصر ایران آشنا خواهیم شد. آنگاه به بررسی برخی از آرا و شبهات حدیثی جریان منتقدان حدیث شیعه در دوره معاصر ایران پرداخته خواهد شد.

ج) پیشینه تحقیق

درباره منتقدان حدیث شیعه در ایران معاصر، در برخی از کتابها و مقاله‌ها پژوهشهایی صورت گرفته که شایسته است به آثاری که در این زمینه نگاشته شده، اشاره شود.

کتاب *السنه فی الفکر الامامی الشیعی التکوین و الصیروه اثر حیدر حبّ الله*. این کتاب که دیدگاه عالمان شیعه نسبت به حدیث در دوره‌های مختلف را بررسی کرده، در فصل هفتم خود بدون اینکه به نقد و ارزیابی آرای این گروه بپردازد، به معرفی برخی از افراد این جریان فکری مانند شریعت سنگلجی، فرید تنکابنی، حسینی طباطبایی، قلمداران و برقی که آنان را قرآنیون شیعه نامگذاری کرده، پرداخته است.

709 بررسی شبهات حدیثی منتقدان حدیث شیعه در ایران معاصر

کتاب *جریانهای سیاسی-مذهبی ایران* اثر رسول جعفریان. نویسنده در این کتاب، افراد این گروه را با عنوان جریانهای تجدیدنظرطلب در عقاید شیعه آورده که علاوه بر گزارشی از زندگی افرادی همچون: سنگلجی، خرقانی، شعار، فرید تنکابنی، صالحی نجفآبادی، محمد صادقی، برقی، قلمداران و حسینی طباطبایی، به بیان برخی از زمینه‌های پیدایش این گروه نیز اشاره کرده است.

کتاب «جریان‌شناسی قرآن بسندگی» از محمدابراهیم روشن‌ضمیر. در فصل اول این اثر اشاره‌ای به کتاب «تفسیر تابشی از قرآن» ابوالفضل برقی و روش تفسیری وی در این اثر دارد؛ هرچند به ارزیابی و تحلیل درباره آن پرداخته نشده است.

کتاب *درآمدی بر مطالعات حدیثی در دوران معاصر* تألیف مجید معارف و سعید شفیعی. در این نوشته نیز در فصل رویکردهای علمی حدیث پژوهی در دوران معاصر، برای آشنایی خوانندگان، صفحاتی را به معرفی این جریان اختصاص داده است.

کتاب *اندیشه اصلاح دین در ایران* تألیف سید مقصد نبوی رضوی. این اثر که از شریعت سنگلجی به عنوان معلم اول اصلاح دین در دوره پهلوی یاد کرده، این گروه را به عنوان اصلاحگران دین پس از شریعت سنگلجی، بررسی و علاوه بر ذکر آرای ایشان، در مواردی به نقدهای محمدتقی حسینی ورجانی بر این گروه نیز اشاره کرده است.

کتاب *سیری در تفکر کلامی معاصر* تألیف محمدصفر جبرئیلی. این کتاب که افراد این جریان را با عنوان روشنفکران معارض با سنن و عقاید شیعی آورده، علاوه بر معرفی شخصیت‌های برجسته آنان، به ویژگی‌های کلی، عوامل و انگیزه‌های به وجود آمدن آنان و آثار و نتایج مثبت و منفی این جریان اشاره کرده است.

«گفتمان وهابیت و اندیشه معاصر ایران» از مهدی ناظمی قریباغ. در این مقاله به آشنایی ایرانیان با وهابیت و تأثیر پذیرفتن برخی از علمای شیعه مانند شریعت سنگلجی، حیدرعلی قلمداران و ابوالفضل برقی، همچنین برخی از علمای اهل سنت مانند مودوخ کردستانی و احمد مفتی‌زاده از تفکر وهابیت می‌پردازد.

«نقد دیدگاه و عملکرد جریان قرآنیان شیعه» از علی تصدیقی شاهرضایی. این مقاله که منتقدان حدیث شیعه را با نام قرآنیان شیعه معرفی کرده است، به بیان دیدگاه آنان درباره کفایت قرآن در مسائل اعتقادی و عدم به کارگیری سنت در مسائل اعتقادی اشاره کرده، سپس به نقد دیدگاه آنان پرداخته است.

«نقد کتب حدیث؛ در ترازوی نقد با تکیه بر آسیب‌های فقه‌الحدیثی» به نویسندگی مجید معارف و مهدی هادیان. در این مقاله با طرح چند نمونه از نقدهای مصطفی حسینی طباطبایی به کتب حدیث شیعه، اشکالات ایشان در فهم حدیث را با توجه به عدم تشکیل خانواده حدیث یا سایر موازین فقه‌الحدیثی مورد توجه قرار داده است. در آثار مذکور بیشتر به معرفی افراد جریان منتقدان حدیث شیعه در ایران معاصر و

بیان برخی نظرات آنان، هرچند با عناوین دیگری پرداخته شده است؛ اما در این مقاله سعی شده علاوه بر شناسایی دقیق جریان منتقدان حدیث شیعه در ایران معاصر و گونه‌شناسی آنان، آرای ایشان در زمینه مؤلفان کتب حدیث شیعه و نظرات آنان در مورد احادیث موجود در کتب روایی شیعه، بررسی و ارزیابی شود.

(د) روش تحقیق

پژوهش حاضر در زمره پژوهش‌های کیفی و به روش کتابخانه‌ای و توصیفی - تحلیلی انجام شده است، که ضمن معرفی جریان منتقدان حدیث شیعه در دوره ایران معاصر، به بررسی شبهات حدیثی آنان می‌پردازد.

(ه) یافته‌ها

1. آشنایی با منتقدان حدیث شیعه

در دوره معاصر در جهان تشیع، عده‌ای در پی کم‌رنگ کردن نقش سنت در هندسه مسائل دینی برآمده و اعتبار بسیاری از روایات را منکر شده‌اند و به تعبیر برخی از محققان، جریان «قرآنیون شیعه» را تشکیل داده‌اند (حُب‌الله، 2006: 612؛ معارف و همکاران، 1394: 138)؛ زیرا رهروان این مکتب احساس کردند که نص قرآن در فرهنگ مذهبی شیعه به نفع روایات و اخبار، کنار گذاشته شده و نقشی ایفا نمی‌کند. بنابر این، از یک سو برای تحکیم مرجعیت قرآنی، به ویژه ایده امکان فهم قرآن بدون نیاز به حدیث، وارد عمل شدند و از سوی دیگر، بر نقد میراث روایی شیعی و نقد بسیاری از اخبار آحاد و احادیث مذهبی پراکنده در کتب روایی و اثبات سخافت و تعارض آنها با قرآن کریم یا مخالفت با عقل سلیم، تأکید کردند. البته با مطالعه و بررسی آثار و کتب این افراد درمی‌یابیم که چنین جریانی با جریان قرآنیون اهل سنت شباهت تام و تمام ندارد، بلکه از لونی دیگر و با آهنگی دیگر و زمینه‌ای متفاوت است. این طیف فکری از معاصران شیعه درصدد برآمده‌اند از طریق رد و مناقشه با روایات جعلی و ضعیف، نقش حدیث و سنت در مرجعیت احکام دینی را تضعیف و نقش قرآن را پررنگ سازند. (معارف و شفیع، 1394: 181)

ناگفته نماند که افراد این جریان فکری با نامهای مختلف دیگری در آثار نویسندگان معاصر جلوه‌گر شده‌اند. شاید بتوان گفت اولین نفری که در ایران برای این نوع جریانهای فکری عنوان قرآنیان را استفاده کرد، احمد کسروی باشد (کسروی، 1323: 32). جریانهای تجدیدنظرطلب در عقاید شیعه (ر.ک: جعفریان، 1391: 1011 به بعد)، قرآن‌بسنندگان (ر.ک: بابایی، 1387: ج 2: 128)، روشنفکران معارض با سنن و عقاید شیعی (ر.ک: جریلی، 1391: 371 به بعد)، اندیشه‌های اصلاح دینی در شیعه (ر.ک: نبوی رضوی، 1396: ج 2: 588)، تجدیدنظرطلبان در حدیث (ر.ک: معارف و همکاران، 1394: 138) و موحدین (ر.ک: برقی، بی‌تا: 87-88 و 264) از جمله دیگر نامهایی است که این نحله فکری به آنها نامگذاری شده است. رهیافت کلی این افراد، بازنگری در منابع حدیثی و به کارگیری معیار و سازوکارهایی افزون بر ملاکهای رایج، بر شناخت روایات صحیح و جداسازی آنها از روایات مجعول و

711 بررسی شبهات حدیثی منتقدان حدیث شیعه در ایران معاصر

محرّف و امثال آن است. دیدگاهها و آرای اینان که برخی روشمند و برخی یکسونگرانه و دست کم نابهنجار در مبانی و روشهاست، در مراکز علمی و تحقیقی بازتاب یافته و نقدها و اظهار نظرهای مخالف نیز مواجه شده است (معارف و همکاران، 1394: 143). این گروه علاوه بر نقدهای سندی حدیث، بر نقد متنی حدیث نیز تأکید دارند و معتقدند که متن و محتوای روایات باید با مسلماتی همچون قرآن و عقل سنجیده شود. احادیثی را که متفق علیه امت اسلام باشد را قبول دارند و مسائلی همچون: عدم کتابت حدیث در قرون اولیه، رواج نقل به معنا در احادیث، کثرت جعل و وضع را مطرح و بر نقد متن برای تشخیص درستی و نادرستی روایات تأکید می‌کنند.

جریان مزبور، حدّ وسط جریان قرآنیون و نگاه غالب و مشهور به حدیث قرار می‌گیرد که در این پژوهش به آنان، عنوان منتقدان حدیث شیعه اطلاق می‌شود. برخی از مهم‌ترین این افراد عبارتند از: اسدالله خرقانی، محمد خالصی زاده، شریعت سنگلجی، عبدالوهاب فرید تنکابنی، یوسف شعار تبریزی، محمدتقی شوشتری، محمدباقر بهبودی، نعمت‌الله صالحی نجف‌آبادی، محمد صادقی، ابوالفضل برقی، حیدرعلی قلمداران و مصطفی حسینی طباطبایی.

2. گونه‌شناسی جریان منتقدان حدیث شیعه در تاریخ معاصر ایران

با مطالعه زندگی و بررسی آثار منتقدان حدیث شیعه می‌توان گفت افراد این جریان فکری اگرچه دارای اشتراکاتی‌اند، اما تفاوت‌های زیادی نیز با هم دارند و به نوبه خود دارای گروه‌ها و طیف‌های گوناگون و قابل تشکیک‌اند و مراتبی به هم نزدیک و مراتبی از هم دور می‌شوند؛ که شاید برای شناسایی بهتر، بتوان آنان را به سه گروه ذیل تقسیم کرد:

گروه اول، دانشمندانی‌اند که ضمن دفاع کلی از اصالت و اعتبار حدیث در کل، رویکرد انتقادی نسبت به احادیث دارند. سیره عملی این گروه، ضمن پابندی به عقاید شیعه، نوعاً ضعف‌شناسی و جعل از موازیات روایی است و معتقدند می‌توان معارف دینی و احکام فقهی را بر پایه اخبار صحیح بنا کرد. از جمله این افراد می‌توان به محمدتقی شوشتری، محمد صادقی و محمدباقر بهبودی اشاره کرد. (معارف و شفیع، 1394: 15)

گروه دوم، کسانی‌اند که علاوه بر رویکرد انتقادی نسبت به احادیث و ضمن تعلق خاطر به مذهب تشیع امامی، تنها به باورهایی همچون: غلو، ولایت تکوینی، علم غیب، شفاعت، زیارت، توسل و عزاداری یا برخی از آنها می‌پردازند و این عقاید را که اکثراً برگرفته از احادیث‌اند، زیر سؤال می‌برند و با گستره و طیف وسیع اندیشگی که دارند، همراه شدت و ضعف به ضرورت پالایش همه یا برخی از آنها از اندیشه دینی شیعیان باور داشتند (نبوی رضوی، 1396، ج 2: 588). از جمله این افراد می‌توان به اسدالله خرقانی، محمد خالصی زاده، شریعت سنگلجی، عبدالوهاب فرید تنکابنی، یوسف شعار تبریزی و نعمت‌الله صالحی نجف‌آبادی اشاره کرد.

گروه سوم، کسانی بودند که در مسیر نقدهای خود به روایات و منابع حدیثی، به تدریج از اصول و مبانی تشیع فاصله گرفته یا حتی از برخی عقاید شیعه روگردان شده‌اند. از عناصر این جریان می‌توان به ابوالفضل برقی (در آثار مختلف خود) و حیدرعلی قلمداران (در آثار گوناگون خود به خصوص کتاب شاهراه اتحاد) اشاره کرد (معارف و شفیعی، 1394: 182). در این پژوهش، دیدگاهها و آرای همین گروه اخیر بررسی خواهد شد.

3. آرای حدیثی منتقدان حدیث شیعه

یکی از مباحث مهم در شناسایی منتقدان حدیث شیعه، نوع نگرش آنان نسبت به مؤلفان کتب حدیثی شیعه و برخورد آنان با میراث روایی شیعه است. در این قسمت بر آنیم که با مراجعه به کتب و آثار منتقدان حدیث شیعه در دوره معاصر ایران، دیدگاهها و نظرات این جریان فکری را در این مباحث، بررسی و ارزیابی کنیم.

یک (آرای منتقدان حدیث شیعه در زمینه مؤلفان کتب حدیثی شیعه)

برخی از منتقدان حدیث شیعه نظرات متفاوتی با دیدگاه اغلب عالمان شیعه درباره مؤلفان کتب حدیثی شیعه دارند، که در این مجال می‌توان به آرای ابوالفضل برقی، یکی از اثرگذارترین و پرتألیف‌ترین افراد این گروه اشاره کرد. برقی مؤلفان کتب حدیثی شیعه را افرادی ساده‌لوح می‌داند که اطلاع کافی از قرآن و تاریخ اسلام نداشته‌اند. وی درباره شیخ کلینی می‌گوید: «محمد بن یعقوب کلینی نیز از مطالب فوق استثنا نیست. وی نیز کاسبی بوده در بغداد و هر خبری را از کسانی که هم‌مذهب وی بوده‌اند و یا سخنشان را موافق مرام و مسلک خویش می‌یافته و می‌پسندیده، در طول بیست سال در دفاتر خود جمع کرده و اگر بخوایم بسیار خوش‌بینانه قضاوت کنیم و او را به سوء نیت متهم نکنیم، باید بگوییم که از مطالعه بی‌غرضانه کافی می‌توان دریافت که وی با قرآن آشنایی کافی نداشته و غالباً تعارض اخبار منقولۀ خود را با قرآن در نمی‌یافته و به احوال رجالی که احادیثشان را ثبت می‌کرده، توجه چندانی نداشته است» (برقی، 1388: 40).

درباره شیخ صدوق نیز می‌گوید: «اکثر این ناقلین نمی‌توانسته‌اند اخبار را با قرآن تطبیق کرده و موافق و مخالف قرآن را از هم تمیز دهند! از تاریخ قطعی اسلام نیز اطلاعات کافی نداشته‌اند. مثلاً شیخ صدوق معروف به ابن بابویه، کاسبی بوده که در قم برنج‌فروشی می‌کرده و دفتری داشته که هر خبری را از کسی که او را فرد خوبی می‌پنداشته، گرفته و در دفترش درج کرده است. در آثار وی اشتباهات فاحشی دیده می‌شود که برخی از آنها حتی از طلبۀ مقدمات‌خوانده بعید است» (همان: 40-37). به گمان برقی، محمدباقر مجلسی نیز فردی خرافی بود که علاقه زیادی به جمع‌آوری و نقل خرافات داشته و ایشان را با عناوینی همچون: «دکآنداز مذهبی» (همان: 615)، «حارس البدع و مروج الخرافات» (همو، 1392: 15) یاد می‌کند.

درباره علی بن ابراهیم قمی که از محدثان و مؤلفان بزرگ شیعه و از مشایخ کلینی است، اظهار می‌دارد: «علی بن ابراهیم قمی از مشایخ کلینی است. از وی تفسیری روایی نیز باقی مانده است. متأسفانه او را ثقه دانسته‌اند، در حالی که

713 ◆ بررسی شبهات حدیثی منتقدان حدیث شیعه در ایران معاصر

اخبار منقولۀ او غالباً خرافی و غلوآمیز و ضد قرآن است. او کسی است که قرآن را محرف می‌داند و به همین دلیل به نظر ما از تمام ضعفا ضعیف تر است» برقی، 1388: 105). شیخ مفید هم از قلم نقد برقی در امان نمانده و وی را به جرم نقل روایات ضعیف در کتاب الارشاد، به فریبکاری عوام متهم می‌سازد. (همان: 700)

- ارزیابی

اینک با مراجعه به کتب معتبر رجالی، نظر رجالیون شیعه را درباره افراد مذکور بررسی قرار می‌کنیم، تا بینیم آنان چه اندازه با برقی هم‌رأی بوده‌اند.

علی بن ابراهیم قمی از محدثان و مؤلفان بزرگ شیعه و از مشایخ کلینی است و در کتب رجالی شیعه با عناوینی همچون: ثقه فی الحدیث، ثبت، معتمد و صحیح المذهب (نجاشی، 1418: 260) معرفی شده است. کتب رجالی شیعه، کلینی را چنین معرفی کرده‌اند: موثق‌ترین و باثبات‌ترین مردم در حدیث بوده است (همان: 377). نجاشی شیخ صدوق را چنین توصیف می‌کند: شیخ ما، فقیه ما، شخصیت بزرگوار خراسان، در میان اهالی قم در زمان خودش فقیه و موثق‌ترین‌شان بوده است (همان: 389). شیخ طوسی نیز شیخ صدوق را با عناوینی همچون: ثقه و عارف به احادیث (طوسی، بی تا: 393)؛ همچنین ثقه، جلیل بزرگوار و فقیه نام برده (همو، 1420: 449) و با تعابیر جلیل‌القدر، آگاه به فقه و اخبار و رجال (همان: 431)، ناقد روایات و کسی که در میان اهالی قم ماندش را در کثرت علم کسی ندیده است، می‌ستاید. (همو، بی تا: 442)

شیخ طوسی در کتاب رجال و در بخش کسانی که از ائمه روایت نقل نکرده‌اند، درباره شیخ مفید این گونه یاد می‌کند: «محمد بن محمد بن نعمان، دانشمندی بزرگ و موثق است» (همو، 1420: 449). همچنین وی در فهرست می‌نویسد: «محمد بن محمد به نعمان، معروف به ابن معلم، از متکلمان امامیه است و در زمان او ریاست علمی و دینی شیعه به او منتهی شد. در علم فقه و کلام بر هر کس برتری داشت. دانشمندی حاضر جواب بود و نزدیک به 200 جلد کتاب از او به یادگار مانده است (همو، بی تا: 446). نجاشی - که خود از زمره شاگردان آن عالم گرانمایه است - درباره استادش می‌گوید: استاد ما (رضی الله عنه) مقام والای او در علم و کلام و روایت و وثاقت، مشهورتر و معروف‌تر از آن است که به وصف آید. وی موثق‌ترین و میرزترین اصحاب ما در حدیث و فقه بود (نجاشی، 1418: 399). علامه حلّی نیز درباره شیخ مفید چنین می‌گوید: «محمد بن محمد بن نعمان، مکتبی به ابو عبدالله و ملقب به مفید است. مفید معروف به ابن المعلم بود و از بزرگ‌ترین مشایخ شیعه و رئیس و استاد آنهاست. کلیه دانشمندان ما که بعد از وی آمده‌اند، از دانش او استفاده نموده‌اند. فضل و دانش او در فقه و کلام و حدیث، مشهورتر از آن است که به وصف آید. او موثق‌ترین و داناترین علمای عصر خود بود. ریاست علمی و دینی طایفه شیعه امامیه در زمان او، به وی منتهی گشت» (حلّی، بی تا: 147). ابن ندیم از شیخ مفید با عبارت رئیس متکلمان شیعه یاد کرده، در علم کلام بر دیگران مقدم دانسته و بی‌همتا توصیفش کرده است. (ابن ندیم، 1350: 226 و 247)

صاحب معجم الرجال، مجلسی را با لفظ «مولای ما» خطاب قرار داده و نظر خود را درباره وی با الفاظی همچون: عالم، فاضل، ماهر، محقق، مدقق، علامه، بسیار فهیم، فقیه، متکلم، محدث، ثقه، دارنده همه خوبی‌ها و فضایل، جلیل‌القدر و عظیم‌الشأن یاد کرده است. (موسوی خویی، بی تا، ج 14: 211)

با توجه به نظر رجال‌یون شیعه درباره مؤلفان کتب حدیثی شیعه، مشخص شد که اولاً، همگی به علم بودن و ثقه بودن مؤلفان کتب حدیثی شیعه اذعان داشته‌اند؛ ثانیاً، نظر برقی کاملاً نظر شخصی بوده و دیدگاه وی درباره مؤلفان کتب حدیثی شیعه، بی‌اساس و فاقد پشتوانه علمی است.

دو) آرای منتقدان حدیث شیعه در زمینه کتب حدیثی شیعه

به گمان برقی، که یکی از مهم‌ترین افراد این جریان فکری است، مشکل اصلی تعالیم و آموزه‌های تشیع، وجود اخبار و روایاتی با سند فاسد و روایاتی مجهول است که به قصد اختلاف در مذهب و تفرقه میان مسلمانان جعل شده‌اند. وی معتقد است که اکثر اخبار موجود در کتب معتبره شیعه، ضد قرآن و مخالف عقل و موجب خسران دنیا و آخرت است (برقی، 1388: 12-11). برقی کتابی با عنوان «عرض اخبار اصول بر قرآن و عقول» دارد که به صورت تلخیص شده با عنوان کسر الصنم در کشورهای عربی به چاپ رسیده است. وی در این اثر، 187 باب از جلد اول اصول کافی را با هدف شناساندن احادیث مغایر قرآن و عقل، بررسی و براساس مبانی خاص خود، نقطه نظراتش را بیان کرده است. به گمان وی، بیشتر یا همه اخبار عقیدتی کتاب کافی، از احادیث آحاد است که محققان شیعی نیز حجیت آنها را در اعتقادات نپذیرفته‌اند. (همان: 44-45)

برقی بر این باور است که احادیث کتاب کافی که مهم‌ترین کتاب حدیثی شیعه است، هم از نظر اسناد و روایات، بسیار معیوب و هم به لحاظ متن و مطالب، دارای اشکالات فراوان است؛ زیرا اکثر روایات آن به قول علمای رجال شیعه، از ضعف و مجروحان و جاهیل و صاحبان عقاید باطله‌اند. وی در نقد سندی از احادیث کافی، به سخنان محمدباقر مجلسی و محمدباقر بهبودی استناد کرده، می‌گوید: «کتاب کافی مشتمل است بر 16199 و یا به قولی 15176 حدیث که علامه محمدباقر مجلسی که به اعتقاد علمای ما، استاد فن حدیث و از بزرگان رجال‌شناس شیعه است، در کتاب مشهور خود موسوم به مرآة العقول فی شرح اخبار آل الرسول که آن را در شرح احادیث کافی تألیف کرده، حدود 9000 حدیث از اخبار کتاب کلینی را صحیح ندانسته است. استاد محمدباقر بهبودی نیز فقط 4428 حدیث کافی را صحیح دانسته است.» (همان: 47)

البته بسیاری از روایاتی که از نظر مجلسی و بهبودی صحیح‌اند نیز از نظر برقی نقد و رد شده‌اند (برای نمونه ر.ک: همان: 324، 370، 406، 411، 420، 425-426 و 853) و در جاهایی نیز با توجه به ضعف سندی متن حدیث، روایاتی که با مبانی فکری خود همسو بوده را تأیید کرده است. (ر.ک: همان: 352، 370-371 و 437)

نقد ابوالفضل برقی بر حدیث ثقلین و پاسخ به آن

برقی معتقد است برای رهایی از احادیث جعلی باید به سراغ دو یادگار پیامبر اکرم (ص) در حدیث ثقلین برویم و در عین حال، در کتاب عرض اخبار اصول بر قرآن و عقول، حدیث ثقلین را نقد کرده و ایرادهایی بر آن وارد دانسته است که در ادامه به بررسی و پاسخ به آنها پرداخته می‌شود.

1) حدیث ثقلین به صورت «کتاب الله و سنتی» نیز نقل شده است که با مقام بیان حدیث، مناسب تر می نماید. **پاسخ:** اول اینکه، چنین نقلهایی بسیار نادر است و خود اهل سنت نیز به آن توجهی نکرده اند؛ زیرا این حدیث با چنین عبارتی در جوامع حدیثی اهل سنت معتبر اولیه نیامده است. برای نمونه، احمد بن حنبل از پیامبر (ص) با اسناد به زید بن ارقم، صحابی معروف، چنین نقل کرده است که زید می گوید: پیامبر خدا (ص) در غدیر خم ایراد خطبه نمود و پس از حمد و ثنای الهی و پند و اندرز به حاضران، فرمود: «ای مردم! بدانید که همانا من در آستانه دیدار با پروردگارم هستم و این در حالی است که دو شیء گرانها را در میان شما باقی می گذارم؛ نخستین آن، کتاب خداست که مایه هدایت و نور است. پس بدان چنگ زید و آن را دریابید. پس مردم را برای روی آوردن به قرآن تشویق نمود. سپس فرمود: و شیء گرانهای دیگری که پس از خود به جا می گذارم، اهل بیت من است. من شما را به اهل بیتم توجه می دهم. این جمله را سه بار تکرار فرمود» (ابن حنبل، بی تا، ج 18: 114). همچنین، با عبارت «کتاب الله و سنتی» تنها دو حدیث با ضعف در روایت آن، در سنن بیهقی یافت شده است (بیهقی، 1424، ج 10: 195-194). دوم اینکه، این حدیث در برابر آن همه روایات که با لفظ «اهل بیت» آمده و در آن اهل بیت تصریح و تأکید شده، نمی تواند قابل استناد باشد.

2) لفظ «عترت» دارای ابهام است. در حدیث ثقلین، لفظ «عترت» هم به معنای «ولاد و فرزندان» و هم به معنای «اعضای خانواده و اهل بیت» است و برخی آن را به معنای «قوم نزدیک» نیز گفته اند. اگر این کلمه را به معنای «فرزندان» بدانیم، در این صورت داماد و پسر عمو هم داخل در معنای لفظ نخواهد بود؛ در حالی که همه حضرت علی (ع) را بزرگ ترین مصداق حدیث می دانند. همچنین اگر توسعاً «نوادگان» را نیز مشمول معنای اول لفظ بگیریم، مخاطبان به چه دلیل حدیث را فقط شامل حضرات حسنین (ع) دانسته و دیگر نوادگان پیامبر (ص) را از شمول حکم حدیث خارج می سازند؟! اگر کلمه مذکور را به معنای دوم؛ یعنی «اعضای خانواده و اهل بیت» بگیریم، مردم از کجا بفهمند که عایشه و حفصه و ام سلمه و ام حبیبه و... به جز حضرت زهرا منظور نیستند؟! و باز هم اگر توسعاً «داماد» را نیز مشمول معنای دوم بدانیم، در این صورت چرا اصحاب فقط امیرالمؤمنین (ع) را مقصود بدانند، اما عثمان و ابوالعاص را مشمول حدیث نشمارند؟ (برقی، 1388: 61-54)

پاسخ: در اکثر روایات شیعه و سنی، لفظ عترت مقارن با «اهل بیته» به کار رفته است. لغویون نیز معنای عترت را اخص خویشاوندان می دانند؛ چنانکه علامه مناوی در شرح حدیث ثقلین می گوید: «اهل بیت پیامبر (ص) همان اصحاب کساءند که خداوند متعال، رجس و پلیدی را از آنان رفع نمود و آنان را پاک کرده است». (ناوی، 1415، ج 3: 19)

علاوه بر این، پیامبر (ص) در روز مباحله، علی (ع) و فاطمه (س) و حسنین (ع) را با خود بردند (نیشابوری، 1412، ج 7: 121)؛ در حالی که در آیه، «سائنا» به صورت جمع به کار رفته بود و «بنائنا» نیز به بیشتر از دو نفر صادق است. اما پیامبر (ص) تنها مصدق اهل بیت خود را آوردند و به همه معرفی کردند؛ هر چند می توانستند بنا بر جمع بودن آیه، دیگران را نیز با خود همراه کنند. درباره حدیث ثقلین نیز عبارت «عترتی اهل بیته» اگرچه ممکن است به ذاته مصدق متفاوتی داشته باشد، ولی با توجه به آیه مباحله (ر.ک: زمخسری،

716 ♦ مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی 81

1407: 369-370) و آیه تطهیر و حدیث کساء و دیگر روایات، تنها مصادیق آن علی(ع) و فرزندان او معرفی شده‌اند. (ر.ک: نعلی، 1422، ج 8: 36-38)

دیدگاه قلمداران و حسینی طباطبایی درباره کتب حدیثی شیعه

حیدرعلی قلمداران و مصطفی حسینی طباطبایی نیز درباره کتاب کافی، به نظر مجلسی در خصوص روایات کافی استناد کرده و بر این باورند که فقط تنها یک دهم کتاب کافی صحیح است. (قلمداران، بی تا: 149؛ همو، 1388: 30؛ حسینی طباطبایی، 1394: 38)

قلمداران در این زمینه می‌گویند: «علامة مجلسی (اعلی الله) مقدمه کتاب کافی را که شامل حدود شانزده هزار حدیث است، در معرض و محک علم درایه و رجال قرار داده و بیش از نه دهم احادیث آن را از ارزش صحت انداخته و کمتر از یک دهم آن را صحیح دانسته است» (قلمداران، بی تا: 149؛ همو، 1388: 30). حسینی طباطبایی نیز در این زمینه به کار مجلسی استناد کرده، اظهار می‌دارد: محمدباقر مجلسی در کتاب *مرآة العقول*، بسیاری از روایات کافی را (به اعتبار اسناد و راویان احادیث) تضعیف کرده است (حسینی طباطبایی، 1394: 38). وی همچنین تعمیم نقد روایات بر کل کتابهای حدیثی شیعه را وارد دانسته، پس از نقد 10 روایت از کتاب *بحار الانوار*، می‌نویسد: «تو خود حدیث مفصل بخوان از این مجمل!» (همان: 95). در واقع؛ به این نکته اشاره می‌کند که این نقدها مشتی نمونه خروار است و از این دست مطالب در کتابهای حدیثی بسیار است.

ارزیابی

علمای متقدم شیعه برای جلوگیری از معدوم شدن و همچنین استفاده شیعیان از سخنان پیامبر اکرم (ص) و ائمه اطهار(ع) در قرون اولیه، با معیارهای مرسوم خود اقدام به جمع‌آوری احادیث کردند. آنچه مسلم است همه احادیث موجود در این کتابها، احادیث صحیح نیستند و در میان آنها روایاتی وجود دارد که دارای ضعف‌اند و احیاناً از معصوم صادر نیز نشده‌اند؛ ولی منتقدان حدیث شیعه در نقد کتابهای حدیثی شیعه دچار افراط شده و این کتابها را با عباراتی همچون: «مملو از خرافات، جعلی، اکثر احادیث مخالف با عقل و قرآن» نقد کرده‌اند. در ادامه به نقد و بررسی دیدگاه منتقدان حدیث شیعه درباره منابع معتبر روایی شیعه می‌پردازیم. در پاسخ به شبهه مطرح شده از سوی برقی و دیگر منتقدان حدیث شیعه درباره ضعف دانستن روایات کتاب کافی، باید گفت که روایت از ابتدا، میان قدما تا عصر سید بن طاووس (م 673 ق) و شاگرد او علامه حلی (م 726 ق)، به دو دسته صحیح و ضعیف تقسیم شده بود و حدیث صحیح، تعریف خاص و ویژگی‌های معینی داشت. در اصطلاح قدما، حدیثی صحیح است که صدور متن آن از معصوم، مورد وثوق بوده و متن آن با قراین اطمینان‌آور همراه باشد. حدیث صحیح از نظر قدما، از سه حال خارج نیست: نخست، روایتی که صدورش از معصوم قطعی باشد؛ دوم، در کنار علم به صدور حدیث از معصوم، فاقد معارض قوی‌تر از خود باشد؛ سوم، در عین فقدان قطعیت صدور روایت از معصوم، صحت مضمون آن، در واقع قطعی باشد. از نظر قدما، حدیث ضعیف نیز از سه حال، خارج نیست: نخست، صدور روایت از

717 ◆ بررسی شبهات حدیثی منتقدان حدیث شیعه در ایران معاصر

معصوم، معلوم نباشد؛ دوم، با وجود علم به صدور حدیث از معصوم، دارای معارض قوی‌تر باشد؛ سوم، به خاطر مخالفت متن حدیث با ضروریات، عدم صحّت متن آن، قطعی باشد.

برخی از قرینه‌های مدّ نظر قدما که باعث صحّت متن حدیث می‌شوند، عبارتند از: یک، نقل حدیث از سوی یکی از اصحاب اجماع؛ دو، وجود حدیث در یک یا دو اصل از اصول اربعه؛ سه، موافقت متن روایت با قراین صحّت از قبیل کتاب، سنّت، اجماع مسلمانان یا اجماع امامیه، دلیل عقلی قطعی و غیره. (برای آگاهی بیشتر، رک: حرّ عاملی، 1409، ج 30: 249-241؛ مجلسی، 1406، ج 1: 19)

بنابر این، بیشترین اهتمام قدما در صحیح دانستن روایت، متوجه متن روایات بوده است تا سند آن؛ اما نخستین بار، سید بن طاووس با تقسیم چهارگانه حدیث، ضمن تغییر در مفهوم اصطلاحی حدیث صحیح و ضعیف، دو تقسیم دیگر؛ یعنی حدیث حسن و موثّق را نیز به آن افزود و از آن تاریخ به بعد، این تقسیم‌بندی مورد قبول محدّثان قرار گرفت. در این شیوه، تمام یا عمده توجه، به سند حدیث معطوف شده است. بر این اساس، تنها حدیثی که با سلسله سند متصل، توسط روایان امامی عادل از معصوم نقل شده باشد، «صحیح» خواهد بود و با کاستن هر قید؛ یعنی اتصال سند و امامی یا عادل نبودن راوی حدیث، به مراتب بعدی نزول خواهد کرد.

بدیهی است که با وجود نوع ارزشگذاری جوامع حدیثی که توسط قدما تدوین شده، حتماً باید تقسیم‌بندی دوگانه و ویژگی‌های صحّت روایت از نگاه آنان مدّ نظر قرار گیرد، نه ملاک متأخران؛ زیرا قدما بر اساس ملاکهای خود روایات را در جوامع حدیثی‌شان آورده و از صحّت آنها دفاع کرده‌اند. اگر قرار است که احادیث این دست از کتابها، بر اساس تقسیم چهارگانه متأخران ارزشیابی شوند، حتماً باید به مبنای متأخران، تصریح و از ارائه دیدگاه به صورت مطلق اجتناب شود.

درباره روایات الکافی، به این نکته توجه لازم نشده و افرادی که با برشمردن نزدیک به دو سوم روایات الکافی، تنها یک سوم آن را صحیح اعلام کرده‌اند، به این نکته تصریح نکرده‌اند که این ارزشگذاری بر اساس تقسیم چهارگانه حدیث نزد متأخران است، و گرنه همه یا عموم روایات الکافی، از نگاه کلینی و تمام قدما صحیح‌اند. مجلسی و بهبودی در برشمردن میزان اعتبار روایات الکافی، همین راه متأخران را طی کرده و عموم روایات این کتاب معتبر را «ضعیف» برشمرده است.

به نظر می‌رسد برای حل این اشکال، بهتر است هر یک از احادیث الکافی بر مبنای نظر قدما نیز ارزشگذاری شوند. اگرچه مجلسی با شرح و تفسیر روایات ضعیف الکافی، در عمل به ضعف آنان تن نداده و در بیشتر موارد به روشی رفتار کرده که آن روایات را مورد پذیرش عملی خود قرار داده است. به عبارتی؛ بعد از اعلام ضعف سند بر اساس معیار متأخران، با معیار قدما وارد عمل شده و قوت محتوای بیشتر این روایات را تأیید کرده است. (رک: نصیری، بی‌تا، ج 2: 620-591)

مصطفی حسینی طباطبایی و کتاب بررسی روایات ساختگی در کتب حدیث

حسینی طباطبایی در کتاب بررسی روایات ساختگی در کتب حدیث، ابتدا به بررسی روایاتی پرداخته که در آنها بر راهیابی روایات موضوع به مجموعه روایات صحیح اشاره شده است و هشدارهایی به پرهیز از چنین روایاتی به شیعیان ارائه می‌کند. وی در ادامه ضمن برشمردن معیارهای اصلی خود در نقد حدیث (در فصل آخر)، به معرفی روایاتی از مجامع حدیثی شیعه پرداخته که به گمان او، مجعول بودن آنها قطعی است. کتابهای بررسی شده وی در این تألیف، عبارتند از: الکافی، من لا یحضره الفقیه و سایر کتب شیخ صدوق، بحارالانوار و سایر کتب مجلسی، وسائل الشیعه، احادیث تفسیری و ادعیه.

ایشان گاه برای نقل برخی احادیث در کتب مذکور، مؤلفان کتب روایی را به ساده‌لوحی متهم کرده است (حسینی طباطبایی، 1394: 45)؛ شأنی که همان‌طور که ثابت شد، از آن بزرگواران به دور است. وی در با نقد نمونه‌هایی چند از کتب حدیثی شیعه، آنها را بر کل کتابهای حدیثی تعمیم داده است و مخاطبان خود را به این نکته توجه می‌دهد که این نقدهایی که در اینجا آورده شده، مشتق نمونه خروار است و از این دست مطالب در کتابهای حدیثی نقد شده بسیار است. (همان: 95)

ارزیابی

اولاً، تعمیمی که ایشان به کتب حدیثی شیعه وارد ساخته، نادرست است. چطور با ارائه چند حدیث، حکم به این مطلب داده که کتب حدیثی که در بر گیرنده هزاران روایت و آموزه دینی است پر از احادیث جعلی است؟ این عمومیت بخشیدن، نه تنها مصداق آشکار استقرای ناقص و غیر علمی بودن نقد روایات است، بلکه کاری به دور از اخلاق حرفه‌ای نیز محسوب می‌شود؛ زیرا روایات، از اساسی‌ترین میراث‌های قابل اعتماد در کشف آموزه‌های دینی و دستورات الهی‌اند و تضعیف آنها به این صورت، سبب بدبینی مخاطبان به این میراث بزرگ خواهد شد.

ثانیاً: قبل از نقد این گونه روایات، فهم صحیح از روایت است که با رعایت قواعد فقه‌الحدیثی به دست می‌آید، که از سوی مؤلف توجهی به آن نشده است. در این خصوص می‌توان به عدم تشکیل خانواده حدیث و یافتن احادیث مشابه در دیگر منابع حدیثی و در به تبع آن، اشتباه در فهم احادیث، مانند تأثیر صلوات بر پیامبر (ص) و خاندانش و زیارت امام حسین (ع) در آمرزش گناهان (همان: 138-137 و 144)؛ عدم توجه به دلالت یک حدیث به سبب بی‌توجهی به صدر و ذیل آن و در نتیجه برداشت نادرست از آن، مانند حدیث دعای ماه رجب «یا من ارجوه لکل خیر...» (همان: 136-135)؛ عدم توجه به شرایط تاریخی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی به طور عام و اسباب صدور حدیث به طور خاص، مانند حدیث پاسخ به سی هزار سؤال امام جواد (ع) در یک شب (همان: 45) و همچنین، عدم توجه به معنای دقیق واژگان حدیث و محتوای روایت، مانند حدیث آمرزش شیعیان و محبان امیرالمؤمنین و محبان آن حضرت (همان: 70) اشاره کرد.

و) بحث و نتیجه‌گیری

در دوره معاصر ایران، عده‌ای از علما و روشنفکران شیعی تحت تأثیر عواملی از جمله: رویکرد انتقادی به وجود آمده نسبت به عقاید و رسوم مذهبی در عصر تجدد در اروپا، اصلاحات دینی صورت گرفته در دیگر ادیان که بر قابل فهم بودن کتاب مقدس برای همه مردم و انتقاد از حدیث تأکید داشت، آشنایی با متفکران نواندیش اهل سنت که بر نقد متون حدیثی تأکید داشتند، افول جریان اخباری‌گری افراطی که معتقد به صحیح‌الصدور بودن همه روایات موجود در کتب روایی شیعه بودند و تأثیرپذیری از جریان وهابیت و سلفی‌گری، جریان منتقدان حدیث شیعه را به وجود آوردند. اگرچه این جریان طیفهای مختلفی دارد، اما از آرای برخی افراد این جریان بودند که در مسیر نقدهای خود به روایات و منابع حدیثی، به تدریج حتی از اصول و مبانی تشیع فاصله گرفته یا احیاناً از برخی عقاید شیعه روگردان شده‌اند، می‌توان به نگاه بدبینانه به مؤلفان کتب حدیثی شیعه و پر بودن کتب حدیث شیعه از روایات جعلی و در مباحث اعتقادی نیز عدم اعتقاد به مسائلی همچون: امامت، شفاعت، توسل و زیارت اشاره کرد؛ که در این پژوهش بیان شد دیدگاههای جریان منتقدان حدیث شیعه درباره مؤلفان کتب حدیث شیعه، مخالف با نظر تمامی کتب رجال شیعه و فاقد پشتوانه علمی است. همچنین در خصوص نقد کتب حدیث شیعه، علاوه بر پدیده افراط و زیاده‌روی در این زمینه توسط این جریان و متفاوت بودن معیار تشخیص حدیث صحیح بین متقدمان و متأخران، بیان شد قبل از جعلی دانستن یک روایت باید به مسائلی همچون: تشکیل خانواده حدیث، توجه به شرایط و اسباب صدور حدیث و همچنین معنای دقیق واژگان حدیث توجه کرد؛ مواردی که متأسفانه در نقد روایات نزد این گروه لحاظ نشده است.


پیشنهادها

- در فرایند بررسی، به موضوعاتی درباره منتقدان حدیث شیعه در دوره معاصر برخوردیم که شایسته است هر کدام به صورت مجزا و دقیق بررسی و ارزیابی شوند؛ از جمله:
- زمینه‌ها و علل داخلی و خارجی در پیدایش منتقدان حدیث شیعه در دوره معاصر ایران.
 - بررسی و نقد مبانی فکری این جریان؛ و در رأس آن، اعتقاد به کفایت قرآن در مسائل اعتقادی و عدم نیاز به سنت و روایات در این زمینه.
 - بررسی و نقد آرای کلامی و اعتقادی این جریان از جمله: امامت، شفاعت، توسل، زیارت، عزاداری.



منابع

- قرآن کریم.
- ابن حنبل، احمد بن محمد (بی تا). مسند الإمام أحمد بن حنبل. اشراف: عبدالله بن عبدالمحسن ترکی، بیروت: مؤسسه الرساله.
- ابن ندیم، محمد بن ابی یعقوب اسحاق (1350). الفهرست. تحقیق: رضا تجدد. تهران: بی جا.
- بابایی، علی اکبر (1387). مکاتب تفسیری. تهران: حوزه و دانشگاه، چ دوم.
- برقی، سید ابوالفضل (1392). تضاد مفاتیح با قرآن. کتابخانه سایت عقیده.
- برقی، سید ابوالفضل (بی تا). سوانح ایام در زندگانی خادم الاسلام علامه برقی. کتابخانه سایت عقیده.
- برقی، سید ابوالفضل (1388). عرض اخبار اصول بر قرآن و عقول. [بی جا]: عقیده، تحریر دوم.
- بیهقی، احمد بن حسین (1424 ق.). السنن الكبرى. تحقیق: محمد عبدالقادر عطا. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ثعلبی، ابواسحاق احمد بن ابراهیم (1422). الكشف و البیان عن تفسیر القرآن. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- جبرئیلی، محمد صفر (1391). سیری در تفکر کلامی معاصر. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- جعفریان، رسول، (1391). جریان ها و سازمان مذهبی های _ سیاسی ایران. تهران: خانه کتاب، چاپ چهارم.
- حُبَّالله، حیدر (2006 م). نظریه السنه فی الفکر الإمامی الشیعی التکوین و الصیوره. بیروت: العربی.
- حر عاملی، محمد بن حسن (1409). وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه. قم: مؤسسه آل البیت (ع).
- حسینی طباطبایی، مصطفی (1394). بررسی روایات ساختگی در کتب حدیث. کتابخانه سایت عقیده.
- حلی، حسن بن یوسف (بی تا). خلاصه الاقوال فی معرفه الرجال. نرم افزار درایه النور. قم: مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی.
- زمخشری، محمود (1407). الکشاف عن حقائق التنزیل. بیروت: دارالکتب العربی.
- طوسی، محمد بن حسن (1420). رجال الطوسی. محقق: جواد القیومی الاصفهانی. قم: مؤسسه النشر الاسلامی، الطبعة الثانية.
- طوسی، محمد بن حسن (بی تا). فهرست الطوسی. نرم افزار درایه النور. قم: مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی.
- قلمداران، حیدر علی (بی تا). ارمغان آسمان. کتابخانه سایت عقیده.
- قلمداران، حیدر علی (1388). راه نجات از شر غلات (بحث شفاعت). اسحاق دبیری. [بی جا]: [بی نا].
- کسروی، احمد (1323). شیعه گوی. [بی جا]: [بی نا].
- کلینی، محمد بن یعقوب (1429 ق.). الکافی. قم: دار الحدیث.
- مجلسی، محمد تقی بن مقصود علی (1406). روضه المتقین فی شرح من لا یحضره الفقیه. محققین: حسین موسوی کرمانی و علی پناه اشتهاردی. قم: مؤسسه فرهنگی اسلامی کوشانور.

721  بررسی شبهات حدیثی منتقدان حدیث شیعه در ایران معاصر

- معارف، مجید و سعید شفیعی (1394). درآمدی بر مطالعات حدیثی معاصر. تهران: سمت.
- معارف، مجید و همکاران (1394). حدیث و حدیث پژوهی. تهران، کتاب مرجع، چاپ دوم.
- مناوی، فیض (1415). *الغدیری فی شرح الجامع الصغیر*. تحقیق: احمد عبدالسلام. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- موسوی خویی، ابوالقاسم (بی تا). *معجم رجال الحدیث و تفصیل طبقات الرواه*. نرم افزار درایه النور. قم: مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی.
- نبوی رضوی، مقداد (1396). *اندیشه اصلاح دین در ایران*. تهران: شیرازه کتاب ما.
- نجاشی، احمد بن علی (1418 ق). *رجال نجاشی*. تحقیق موسی شیرازی زنجانی. قم: مؤسسه النشر الاسلامی، الطبعة السادسة.
- نصیری، علی (بی تا). «نقد و بررسی کتاب *مرآة العقول*». مجموعه مقالات کنگره کلینی. قم: دارالحدیث.
- نیشابوری، محمد بن مسلم (1412). *صحیح مسلم*. مصحح: محمدفؤاد عبدالباقی. قاهره: دارالحدیث.
- **Holly Quran.**
- Babae, Ali-Akbar (2008). **Makateb-eTafsiri**. Tehran: Houze and University, 2nd. Ed.
- Beyhaqi, AhmadIbnHossein (1424). **The Great Traditions**. Research: MohammadAbdolqaderAta. Beirut: Scientific-Books-Room.
- Borghe'e, Seyed-Abolfazl (n.d.). **Events of the Days in life of Khadem-al-Islam Allameh Borghe'e**. Idea site Library.
- Borghe'e, Seyed-Abolfazl (2013) **Quran and Mafatih Contradictions**. Idea Site Library.
- Borghe'e, Seyed-Abolfazl(2009). **Qutation of News of Principles on Quran and Wisdoms**. Idea Publication, 2nd. Ed.
- Helli, AlhasanIbnYousef (n.d). **Summary of Quotations towards Founding Men**. Software of Derayat-o-Noor. Center of Islamic Sciences Computer Based Research.
- Hobb-allah, Heydar (2006). **Tradition Idea in Thinkings of Al-Emami-Al-Shi'e evolution and belief**. Beirut: Al-ArabiPublication.
- HorAmeli, MohammadIbnHassan (1988). **Shi'a Materials towards Legal Problem Educating**. Qom: Al-Beit (peace be upon them) Institute.
- Hosseini Tabatabaei, Mostafa (2015). **Evaluation of Fake News in Tradition Books**. Idea Site Library.
- IbnHanbal, Ahmad ibn Mohammad (n.d.). **Masnad al-Emam Ahmad-Ibn-Hanbal**. Eshraf: Abdullah-Ibn AbdolmohsenTorki. Beirut: Al-Resaleh Publication.
- IbnNadim, MohammadIbn-Yaqoub Ishaq (1931) **Al-Fehrest**. Research: Reza Tajaddod. Tehran: n.d.

- Jibreali, MohammadSafar (2012). **An Introduction to Contemporary Verbal Thinking**. Tehran: Islamic Cultural and Thinking Research Center Publication Organization.
- Jafarian, R. (2013). **Religious and political circles and organizations in Iran**, 4th edition. Tehran: Khaneh Ketab.
- Kasravi, Ahmad (1944). **Shi'a Behaving**.
- Kolehini, MohammadIbnYa'qub (2008). **Al-Kafi**. Qom: Tradition Room.
- Ma'aref, Majid & Saeed Shafi'e (2015). **An Introduction to the Contemporary Traditional Studies**. Tehran: SAMT.
- Ma'aref, Majid & Others (2015). **Tradition and Research on Tradition**. Tehran: Reference Book Publication. 2nd. Ed.
- Majlesi, Mohammad TaqiIbnMaqsoodAli (1985). **The Virtuous Heaven in discussing from Unexpected by the Juris Consult**. Hossein Mousavi Kermani&, Ali-PanahEshtehardi. Qom: Koushanpour Islamic Culture Institute.
- Manavi, Feiz (1994). **Al-Qadir in Discussion of Jaame-ol-Saqir**. Research: Ahmad Abdolsalam. Beirut: Scientific Book Room.
- MousaviKhoii, Abolgasem (n.d). **Handbook of Tradition Men and Details of Catageries of Tradition Narrators**. Deraayat-o-Noor Software Center. Center of Islamic Sciences Computer Based Research.
- Nabavi Razavi, Meqdad (2016). **Thinking of Religious Reform in Iran**. Tehran: Our Book Margin Publication.
- Najjashi, AhmadIbnAli (1997).**Najjashi Men**. Research: Mousa Shobiri Zanjani. Qom: Islamic Publishing Institute, 6th. Ed.
- Nasiri, Ali (n.d)."**Criticism and Evaluation of Wisdom Spectacles**". *Collection of articles in Kolehini Congrees*. Qom: Tradition room.
- Neyshabouri, MohammadIbn Moslem (1991). **Sahih-e-Moslim**. Mohammad Foad Abdulbaqi. Caro: Tradition Room.
- Qalamdaran, Heidar Ali (n.d). **Sky Gift**. Idea Site Library.
- Qalamdaran, Heidar Ali (2009).**The Release Way from Corps (Recommendation Discussion)**. Ishaq Dabiri.
- Sa'labi, Abo Ishaq Ahmad-Ibn-Ibrahim (2001). **Discory and Speech from Quran Interpretation**. Beyrut: Room of Regeneration of Arabic Heredity.
- Toosi, MohammadIbn Hasan (n.d). **Al-Toosi Reference**. Derayat-o-Noor software.Center of Islamic Sciences Computer Based Research.
- Toosi, MohammadIbn Hasan (1999). **Toosian Men**. Researcher: Javad-Al-Qayyuomi Al-Isfahani. Qom: Islamic Publishing Institute, the Second Follower.
- Zemokhsheri, Mahmood (1986). **Discoverers from Outbreak Realities**. Beirut: Arabic Books Room.

